

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

☐ تاریخ نگاری ابن ابی الحدید

موضوع:

تاریخ اسلام: ۴۴ (تاریخ: ۲۲۴)

گروه مخاطب:

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۰۳۸

مسئله انتشار (چاپ اول و باز چاپ): ۵۰۹۱

سرخیل، فاطمه.

تاریخ‌نگاری ابن ابی‌الحدید / فاطمه سرخیل. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۰.

[۲۳۶] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۰۳۸) (تاریخ: ۳۲۴. تاریخ اسلام: ۴۴)

ISBN 978- 964 - 09 - 0953 - 9 - ۳۸۰۰ تومان.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Fatemeh Sarkheil. Ibn-abil-hadid's Historiography

ص. ع. به انگلیسی:

کتاب‌نامه: ص. [۲۲۱] - ۲۳۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبّالله، ۵۸۶ - ۶۵۵ ق. - نظریه درباره تاریخ. ۲. تاریخ‌نویسی اسلامی.

۳. تاریخ‌نویسان اسلامی. ۴. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبّالله، ۵۸۶ - ۶۵۵ ق. - شرح نهج‌البلغه - نقد و تفسیر.

الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۹۰۷/۲۰۱۷۶۷۱

DS ۳۵ / ۶۷ / ۲ الف

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۵۶۲۸۸۳

۱۳۹۰

تاریخ نگاری ابن ابی الحدید

فاطمه سرخیل

بوستان
۱۳۹۰

تاریخ نگاری ابن ابی الحدید

- نویسنده: فاطمه سرخیل
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نویت چاپ: اول / ۱۳۹۰ • شمارگان: ۱۰۰۰ • بها: ۳۸۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ❖ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائیة)، ص پ ۳۷۱۵۵ / ۹۱۷، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۵-۷، شماره: ۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۷۷۴۴۴۲۶
- ❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)
- ❖ فروشگاه شماره ۲: میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۸۸۹۵۶۹۲۲ - ۰۹۳۹۵۹۹۲۰۸۹
- ❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲
- ❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰
- ❖ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۰۲
- ❖ فروشگاه شماره ۶ (ویژه جوانان): قم، ابتدای خیابان شهدا، تلفن: ۷۸۳۷۱۰۲
- ❖ پخش بکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ حافظ، نرسیده به چهار راه کالج، پش کوچه پامشاد، تلفن: ۸۸۹۴۰۳۰۳

طراح ازاداد هادی: شش از طریق شبکه (SNA) با ارسال شماره همراه خود به ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر • سرویواستار: ابوالفضل طریقه دار • ویراستار: محمد حاجی رحیمی • چکیده عربی: خلیل العصامی • چکیده انگلیسی: یحیی داوری • فیبا: مصطفی محفوظی • مسئول واحد حروف نگاری: احمد مؤتمنی • حروف نگار: محبوبه اکبری • اصلاحات حروف نگاری: زهرا مفید و حسین محمدی • صفحه آرای: الهام قره گزلو و احمد مؤتمنی • کارشناس و کنترل نمونه خوانی: محمدجواد مصطفوی • نمونه خوانی: محمد ایشاری • بازخوانی نهایی متن: روح الله ماننگاری • نظارت و کنترل آماده سازی: ولی قربانی • کنترل فنی صفحه آرای: سیدرضا موسوی منش • کارشناس طراحی و گرافیک: مسعود نجابتی • طراح جلد: هادی معزی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماده سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: سعید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

فهرست مطالب

چکیده	۹
مقدمه	۱۱
بررسی منابع	۱۵
الف) تاریخ‌های عمومی	۱۵
ب) کتاب‌های تراجم و رجال	۱۶
ج) کتاب‌های ملل و نحل و آثار معتزله	۱۶
د) منابع تاریخ‌نگاری و فلسفه تاریخ	۱۶
چارچوب مفهومی	۱۸
مفهوم تاریخ	۱۹
تاریخ‌نگری	۲۰
الف) فلسفه نظری تاریخ (فلسفه جوهری تاریخ)	۲۰
ب) فلسفه علم تاریخ (فلسفه انتقادی یا تحلیلی تاریخ)	۲۲
تاریخ‌نگاری و عوامل مؤثر در آن	۲۳

۲۴	مبانی تاریخ نگاری اسلامی تا قرن هفتم
۲۹	روش شناسی تحقیقات تاریخی مسلمانان
۳۰	الف) نقد راوی
۳۲	ب) نقد روایت
۳۵	فصل اول: زندگی و زمانه
۳۵	مدخل
۵۸۶	نگاهی بر اوضاع سیاسی - اجتماعی سال های پایانی حکومت عباسی (۵۸۶ - ۶۵۶)
۳۵	
۳۷	الناصر لدين الله (۵۷۵ - ۶۲۲)
۳۹	ابونصر محمد الظاهر بامر الله (۶۲۲ - ۶۲۳)
۴۱	المستنصر بالله (۶۲۳ - ۶۴۰)
۴۲	المستعصم بالله (۶۴۰ - ۶۵۶)
۴۸	حیات ابن ابی الحدید
۵۳	مذهب ابن ابی الحدید
۵۷	آثار ابن ابی الحدید
۶۱	جمع بندی
۶۳	فصل دوم: تاریخ نگری ابن ابی الحدید
۶۳	مدخل
۶۴	الف) فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه ابن ابی الحدید
۶۵	مفهوم تاریخ نزد ابن ابی الحدید
۶۷	برگردن آدم؛ آغاز تاریخ

۷۶	مسیر و ماهیت حرکت از تاریخ
۸۱	غایت و نهایت تاریخ
۸۷	ب) فلسفه انتقادی تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید
	تأثیر گرایش‌های فکری و سیاسی ابن ابی الحدید معتزلی در تاریخ‌نگری
۸۹	وی
۹۷	الف) گرایش‌های فکری
۱۰۰	ب) مواضع و محدودیت‌های سیاسی
۱۰۲	ابن ابی الحدید و رویکرد تاریخی به نهج البلاغه
	بازتاب تسکایل عقل‌گرایان و اصحاب حدیث در نقادی‌های
۱۰۵	ابن ابی الحدید
	نمونه‌هایی از نگرش عقلانی ابن ابی الحدید در تبیین و تحلیل
۱۱۱	رویدادها
۱۱۶	جمع‌بندی
۱۱۹	فصل سوم: منابع و مصادر در شرح نهج البلاغه
۱۱۹	مدخل
۱۱۹	نقد منابع
۱۳۳	فهرست منابع
۱۵۶	جمع‌بندی
۱۵۷	فصل چهارم: روش نقد و بررسی
۱۵۷	مدخل
۱۵۸	ادبیات نگارشی

۱۶۱	ابن ابی‌الحدید و نقد راوی
۱۶۲	الف) معرفی و شناخت وابستگی‌های سیاسی و اجتماعی راوی
۱۶۷	ب) استفاده از جرح و تعدیل در شناخت راوی
۱۷۰	ج) فاصله زمانی و مکانی راوی و روایت
۱۷۲	ابن ابی‌الحدید و نقد روایت
۱۷۲	الف) فهم معانی با توجه به سیر تحول زبان
۱۷۵	ب) اصالت روایت از نظر نوع زبان و ادبیات متداول
۱۷۹	ج) بررسی تطبیقی روایات و مقایسه با برداشت‌های خود
۱۸۹	د) بررسی نوع خبر
۱۹۳	ه) آشکار کردن جعل‌های عمدی و غیر عمدی متن
۲۰۱	و) توجه به عنصر زمان
۲۱۳	جمع‌بندی
۲۱۵	نتیجه
۲۲۱	کتاب‌نامه
۲۲۱	منابع اصلی
۲۲۶	منابع پژوهشی
۲۳۱	مقالات

ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، بخش عمده‌ای از کتاب خویش را به مباحث تاریخی اختصاص داده است. او در دوره‌ای از تاریخ اسلام می‌زیست که جامعه اسلامی، به دلیل تهاجم مغول، بخشی از میراث علمی خویش را از دست داد و کتاب شرح نهج البلاغه عملاً منتقل‌کننده داده‌های تاریخی پیشینیان به صورت روش‌مند به ادوار بعدی می‌باشد. از این رو، لازم بود تا رویکرد وی به تاریخ‌نگاری بررسی شود. بر همین اساس، این پژوهش به اندیشه تاریخی او روی کرده و در چهار فصل در پی اثبات این فرضیه است که «مبانی تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید بر عقل‌گرایی معتزلی همراه با نگرش انتقادی متأثر از دخالت ارزش‌ها استوار است».

مطالب طرح شده در فصل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، منابع و مصادر در نزد ابن ابی الحدید از اهمیت زیادی برخوردار بودند و در اثر وی جایگاهی برجسته دارند. هم‌چنین، او بر اساس اصول رایج نقد راوی و روایت به ابعاد مختلف نقد توجه کرده است.

او تاریخ را در مفهومی فلسفی - کلامی که می‌توان آن را فلسفه نظری

تاریخ قلمداد کرد، شناخته است. ابن ابی الحدید همانند بسیاری دیگر از مورخان مسلمان به فلسفه انتقادی تاریخ به صورت خاص و تعریف شده نپرداخته و مباحثش را با رویکردی کلامی آورده است. البته، این بدان معنا نیست که او نگرش انتقادی نداشته، بلکه بدان معناست که وی هم چون مورخی حرفه‌ای به تعریف تاریخ، سازوکار پیدایی علم تاریخ، جایگاه مورخ در پیدایی این علم و مسائلی از این قبیل نپرداخته است و نگرش انتقادی او در شرح نهج البلاغه از آن جهت حایز اهمیت می‌باشد که به برخی از مولفه‌های مطرح در فلسفه انتقادی تاریخ توجه و اشاراتی دارد. با این که ابن ابی الحدید در دستگاه خلافت می‌زیست و طبعاً در تاریخ نگاری نمی‌توانست از توجه به باورها و گرایش‌های آنان خودداری کند و عملاً خواسته‌ها و ارزش‌های عباسیان را در نظر داشت، اما چون معتزلی و اهل اندیشه بود، تاریخ را با نگاهی عقلی نگریسته و در تبیین و توضیح رویدادها بحث عقل را مورد توجه قرار داده و نگرشی انتقادی به رخدادها داشته است.

مقدمه

تاریخ‌نگاری هر قوم و ملتی بازتابی از نگرش و نوع تفکر آن قوم و ملت درباره جهان، انسان و جامعه پیرامون اوست. تاریخ‌نگاری اسلامی ضمن این که نوع نگرش و بینش جامعه اسلامی و به اصطلاح، تاریخ‌نگاری مسلمانان هر عهد و دوره‌ای را در خود دارد، تحول و تداوم ساختاری جوامع اسلامی را باز می‌نمایاند. ابن ابی‌الحدید که در عصر پایانی خلافت عباسی می‌زیست، اثر قابل توجهی در تاریخ‌نگاری پدید آورد. هر چند که اثر او محدود به تاریخ نیست و دایرة‌المعارفی از علوم مختلف شمرده می‌شود، از این جهت که بعد تاریخی آن پررنگ بوده و بیشتر مطالبی که وی بدان پرداخته است، موضوع‌هایی تاریخی به شمار می‌آیند، اثر وی منبعی تاریخ‌نگارانه شمرده می‌شود و بازتابی از نوعی نگاه حاکم بر سال‌های پایانی خلافت عباسیان می‌باشد.

مهم‌ترین جنبه تاریخ‌نگاری او در این نکته مشهود است که، با وجود این که او معتزلی معتقدی است به شرح نهج‌البلاغه، گران‌سنگ‌ترین کتاب

شیعیان، پرداخته و این شرح نزد بسیاری از شیعیان از جهاتی مختلف مقبول افتاده است. بررسی بینش و نگرش حاکم بر تاریخ نگاری ابن ابی الحدید باعث می شود که نحوه برخورد او با مسائل مهم و مورد بحث در جهان اسلام و شیوه استفاده او از تاریخ برای نزدیکی مذاهب اسلامی آشکار شود.

با تحقیق های گسترده ای که انجام گرفت، روشن شد که درباره تاریخ نگاری ابن ابی الحدید کتاب و مقاله ای به صورت مستقل و تک نگاری نوشته نشده است و تنها درباره برخی از ابعاد تاریخ نگاری وی آثاری یافت شد که عبارت اند از:

۱. احمد الربیع در کتاب العذیق النضید بمصادر ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغه، بیشتر منابع و مصادر شرح نهج البلاغه را استخراج کرده و به معرفی نویسندگان آن ها پرداخته است، ولی چون در شناسایی مؤلفان بیشتر به الاعلام زرکلی رجوع نموده، برخی اشتباه ها نیز در این اثر راه یافته است. در این کتاب، به روش پژوهش تاریخی ابن ابی الحدید هیچ اشاره ای نشده است.

۲. مقاله مصادر شرح النهج البلاغه لابن ابی الحدید نوشته صفا خلوصی، که بخشی از مصادر شرح نهج البلاغه را دربرمی گیرد.

۳. جانشینان پیامبر ﷺ در پرتو شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نوشته سید علیرضا واسعی. در این کتاب ابتدا، کلیه داده های شرح نهج البلاغه درباره پنج خلیفه نخستین استخراج و سپس، تمام مأخذ و منابع این داده ها جست و جو و نقد و ارزیابی شده است.

۴. مقاله روش شناسی ابن ابی الحدید نوشته محمود حیدری آقایی؛

نویسنده در این مقاله کوشیده است ضمن معرفی ابن ابی الحدید، شیوه پژوهش تاریخی او را به طور خلاصه نقد و بررسی نماید.

۵. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید المعتزلی رؤیة الاعتزالیه عن الامام علی علیه السلام نوشته کاظم منشد النصر الله. در این کتاب به نقد افکار ابن ابی الحدید پرداخته شده و نشان می‌دهد که چگونه باورهای اعتزالی او مانع از تحلیل و تبیین صحیح کلام حضرت علی علیه السلام شده است.

این پژوهش برای بررسی ابعاد تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید در کتاب شرح نهج البلاغه و پیدا کردن مؤلفه‌هایی که بر بینش و روش تاریخی او حکم فرما بود با سؤال اصلی «رویکرد ابن ابی الحدید در تاریخ‌نگاری بر چه مبانی و اصولی استوار است؟» به دنبال اثبات این فرضیه می‌باشد که «مبانی تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید بر عقل‌گرایی معتزلی همراه با نگرش انتقادی متأثر از دخالت ارزش‌ها استوار است». در فرضیه حاضر «عقل‌گرایی معتزلی، نگرش انتقادی، دخالت ارزش‌ها» متغیر مستقل و «مبانی تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید» متغیر وابسته محسوب می‌شود.

در این پژوهش هم‌چنین، به برخی از سؤال‌های فرعی پاسخ داده می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. عناصر مؤثر در فهم تاریخی ابن ابی الحدید کدام است؟
۲. تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید چه جایگاهی در تاریخ‌نگاری او داشته است؟
۳. رویکرد ابن ابی الحدید در استفاده از منابع و مصادر بر چه اصولی استوار است؟

۴. ابن ابی الحدید از چه روش‌هایی برای نقد و بررسی تبیین‌های تاریخی استفاده نموده است؟

این پژوهش در چارچوب ذیل سازمان‌دهی شده است:
مقدمه، بررسی منابع، چارچوب مفهومی، فصل اول تا چهارم و نتیجه‌گیری.

در فصل اول، ضمن مروری بر زندگی ابن ابی الحدید، اوضاع سیاسی - اجتماعی روزگار وی مورد بررسی قرار گرفته و فعالیت‌هایش در مواجهه با اوضاع زمانه تحلیل و تبیین می‌شود.

در فصل دوم، به بررسی مفاهیم فلسفه نظری و فلسفه انتقادی تاریخ نزد ابن ابی الحدید می‌پردازیم.

در فصل سوم، جایگاه منابع در تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید بررسی می‌شود.

در فصل چهارم، با بررسی مطالب شرح نهج البلاغه با روش تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید آشنا می‌شویم و اصول کار او را در حوزه نقد و بررسی داده‌های تاریخی مطالعه خواهیم کرد.

در پایان، لازم می‌دانم که مراتب سپاس خود را از استادان گران‌قدر، جناب آقای دکتر حسین مفتخری، جناب آقای دکتر حسن حضرتی، جناب آقای دکتر سید علیرضا واسعی و حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر رسول جعفریان که این نوشتار بدون راهنمایی‌های ارزشمندشان سامان نمی‌یافت، صمیمانه ابراز دارم. هم‌چنین، از خانواده عزیزم که در تمام مراحل انجام این پژوهش و ام‌دار محبت‌های همیشگی ایشان بوده و همراهی ایشان سختی کار را بر من آسان نمود، قدردانی می‌نمایم.

بررسی منابع

در پژوهش حاضر به طور طبیعی کتاب شرح نهج البلاغه اولین و اساسی ترین منبع می باشد. این کتاب در بیست جلد (ده مجلد) براساس ترتیب و مطالب نهج البلاغه شکل گرفته است. در این کتاب، ابن ابی الحدید به بهانه ارائه داده های تاریخی به تفصیل از مباحث تاریخی سخن به میان آورده است تا جایی که می توان بیش از نیمی از این کتاب را مطالعات تاریخی دانست و بر این اساس، عمده یافته های این پژوهش بر داده های کتاب مذکور استوار است. در این پژوهش علاوه بر منبع فوق، به منظور تحقق اهداف اصلی و فرعی و تبیین فرضیه پژوهش، از منابع متعددی استفاده شد. در یک نگاه کلی می توان این منابع را بر اساس ویژگی هایشان در چهار دسته جای داد.

الف) تاریخ های عمومی

برای بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی روزگار ابن ابی الحدید و وقایعی که بر زندگی و اندیشه های او تأثیر مستقیم داشته اند، به برخی از تاریخ های عمومی مراجعه شد که مهم ترین و قدیمی ترین این منابع عبارت است از: الکامل فی التاریخ ابن اثیر (۶۳۰ هـ)؛ الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة از محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن الطقطقی (۷۰۹ هـ)؛ جامع التواریخ رشید الدین فضل الله همدانی (۷۱۸)؛ الحوادث الجامعة کمال الدین عبد الرزاق بن احمد شبیبانی ابن الفوطی (۷۲۳ هـ) و البدایة و النهایة الحافظ ابی الفداء اسماعیل ابن کثیر (۷۴۴ هـ).

ب) کتاب‌های تراجم و رجال

این دسته از منابع برای شناسایی و ارزیابی منابع شرح نهج البلاغه و روشن نمودن شخصیت و زندگی ابن ابی الحدید استفاده شدند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: الفهرست ابن ندیم (۴۳۸ هـ)؛ رجال نجاشی ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۴۵۰ هـ)؛ اختیار معرفة الرجال و کتاب الفهرست شیخ طوسی (۴۶۰ هـ)؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون حاجی خلیفه (۱۰۶۷ هـ) و الذریعة الی تصانیف الشیعه آقابزرگ طهرانی (۱۳۸۹ هـ).

ج) کتاب‌های ملل و نحل و آثار معتزله

برای شناخت فرقه معتزله و آشنایی با پیش‌زمینه‌های تاریخی و فکری ابن ابی الحدید به منابع ملل و نحل و آثار برجای مانده از معتزلیان مراجعه شد. منابعی مانند: الانتصار و الرد علی ابن راوندی ابوالحسین الخیاط (۳۰۰ هـ)؛ شرح الاصول الخمسه و کتاب فضل الاعتزال و طبقات المعتزله قاضی عبد الجبار (۳۲۰ یا ۳۲۵ هـ - ۴۱۴ یا ۴۱۵ هـ)؛ الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه عبد القاهر بن طاهر بغدادی (۴۲۹ هـ) و فرق الشیعه موسی نوبختی (اوایل قرن چهارم).

د) منابع تاریخ نگاری و فلسفه تاریخ

این بخش از منابع که قسمت عمده‌ای از مباحث این پژوهش بر اساس آن استوار است، به دو دسته آثار محققان خارجی و داخلی قابل تقسیم

هستند. بخشی از مهم‌ترین آثار محققان خارجی که در این پژوهش در بخش چارچوب مفهومی و فصل‌های دوم و چهارم از آن‌ها استفاده شده، عبارت است از:

کتاب درآمدی بر فلسفه تاریخ تألیف مایکل استنفورد و ترجمه احمد گل محمدی؛ در این کتاب، پس از بحث درباره چیستی فلسفه تاریخ و رابطه و نسبت میان تاریخ و فلسفه و علوم اجتماعی، به بررسی مسائل و موضوع‌های بسیار مهم و پایداری مانند: علت، تبیین، عینیت، حقیقت و معنا پرداخته شده است.

کتاب فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری که مجموعه‌ای از مقالات اندیشمندان خارجی چون مایکل استنفورد و... ترجمه حسین علی نوذری، در سه محور فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری است. این کتاب را می‌توان بخشی از آرای غربیان در حوزه تاریخ‌نگاری، روش‌شناسی در فهم و نوشتن تاریخ و فلسفه تاریخ دانست.

کتاب چهار جلدی روش‌های پژوهش در تاریخ که به سرپرستی شارل ساماران تألیف یافته و توسط گروهی از مترجمان به فارسی برگردانده شده است، بیشتر نگاهی فنی و تکنیکی به پژوهش در تاریخ دارد، اما از مباحث نظری مرتبط با این پژوهش خالی نیست.

مجموعه مقالات دائرة المعارف فلسفه به سرپرستی پل ادواردز و ترجمه بهزاد سالکی که مجموعه‌ای از مقاله‌های اندیشمندان خارجی در زمینه فلسفه تاریخ است.

علاوه بر کتاب‌های پیش‌گفته، دسته‌ای از آثار نویسندگان داخلی در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته‌اند که از آن جمله است:

درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ نوشته علیرضا ملائی توانی؛ این کتاب به لحاظ معرفی ابعاد یک تاریخ‌نگاری کامل حایز اهمیت می‌باشد. در پژوهش حاضر، از این کتاب در چارچوب مفهومی و فصل‌های دوم و چهارم استفاده شده است.

تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی تألیف حسن حضرتی؛ این کتاب به مسائل اصلی تاریخ‌نگاری و ارائه تصویری کلی از روند تاریخ‌نگاری ایران و اسلام می‌پردازد. در این پژوهش از محتوای این کتاب در فصول دوم و چهارم استفاده شده است.

کتاب علم تاریخ در اسلام و کتاب دو جلدی علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی تألیف صادق آئینه‌وند به پیدایش علم تاریخ در اسلام و تحولات آن می‌پردازد که در این پژوهش، برای آشنایی با ابعاد تاریخ‌نگاری در اسلام و روش پژوهش‌های تاریخی مورخین اسلامی استفاده شده است.

تاریخ‌نگاری در اسلام تألیف سید صادق سجادی و هادی عالم‌زاده در مقیاسی کوچک‌تر به لحاظ حجم، شباهتی محتوایی به اثر فوق دارد و در همان زمینه از آن استفاده شده است.

چارچوب مفهومی

پژوهش علمی در هر رشته قبل از هر چیزی نیازمند ارائه تعریفی دقیق از عناصر اصلی پژوهش است؛ تعریفی که نشان‌دهنده رهیافت‌ها، انتظارات و برداشت‌های ما از آن پژوهش و ترسیم‌کننده حدود و قلمرو آن باشد. در این پژوهش، طبیعتاً این امر مستلزم آشنایی کافی با

مفاهیم بنیادین علم تاریخ و شناخت کامل مؤلفه‌های اصلی و شکل دهنده آن است.

مفهوم تاریخ

در همه علوم و معارف بشری، نام علم با موضوع آن تفاوت دارد، حال آن‌که، واژه «تاریخ» لفظ مشترکی است که هم بر عنوان یک علم و هم بر موضوع آن اطلاق می‌شود. گاه کاربرد این واژه به معنای علم تاریخ و گاه به معنای رویدادها و تحولات زندگی بشر در گذشته است. پژوهشگران عرصه تاریخ نیز این دو مطلب را از هم تفکیک می‌کنند و تذکر می‌دهند که «موضوع تاریخ» با آگاهی داشتن از آن متفاوت است. استنفورد در این باره می‌نویسد: «در آغاز باید این نکته روشن شود که تاریخ یک چیز نیست، بلکه چندین چیز است. تاریخ هم عبارت است از چیزی که اتفاق می‌افتد (موضوع تاریخ) و هم تصویری که از آن در ذهن می‌سازیم (دانش تاریخ). تاریخ نخست، همان چیزی است که ما می‌خواهیم باور کنیم که مجموعه‌ای باشد از رویدادها یا موقعیت‌های عینی با وجودهای قابل شناسایی و قابل تشخیص واقع شده در زمان و مکان معین. تاریخ دوم عبارت است از ذخیره، یادآوری، بازآفرینی و بازفهم آن رویدادها و بالاخره تأثیر آن‌ها بر شیوه برخورد ما با رویدادها و موقعیت‌های کنونی. با مسامحه، همه این موارد را می‌توان قلمرو تاریخ نامید».^۱

تاریخ روند صیوررت و شدن آدمی است و آن عبارت است از

۱. مایکل استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۴۲۱.

رخدادها، تحولات و اعمال واقعی انسان‌ها در گذشته که در جهان روی داده است. موضوع و قلمرو مورد مطالعه علم تاریخ، «تاریخ» است. این علم می‌کوشد اجزا و ابعاد تاریخ (یعنی پدیده‌های تاریخی) را شناسایی، ارزیابی و تحلیل کند که فرآورده آن پژوهش‌های تاریخی است و دقیقاً همین عرصه، حوزه عمل مورخ است.^۱

تاریخ‌نگری

تاریخ‌نگاری مورخان را نمی‌توان مطالعه کرد، مگر این که نخست به تاریخ‌نگری ایشان شناخت پیدا نمود. پژوهش‌های فلسفی در باب تاریخ، با توجه به دو معنا و مفهوم متفاوت واژه فلسفه تاریخ یا تاریخ‌نگری عنوانی است که بر دو نوع معرفت در باب اصطلاح تاریخ (معرفت درجه اول و معرفت درجه دوم) بار دو نوع موضوع متمایز از هم اطلاق می‌شود. نوع اول آن، فلسفه نظری یا جوهری تاریخ و نوع دوم آن، فلسفه تحلیلی یا انتقادی یا فلسفه علم تاریخ است.

الف) فلسفه نظری تاریخ (فلسفه جوهری تاریخ)^۲

در این معنا، فلسفه تاریخ درباره کل یا مجموعه تاریخ جهان به مثابه یک موجود زنده گفت‌وگو می‌کند؛ بنابراین، فلسفه نظری تاریخ، برخلاف فلسفه علم تاریخ از معرفت‌های نوع اول و یا هستی‌شناسانه است و در

۱. علیرضا ملائی توانی، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، ص ۲۰.

عرض علم تاریخ قرار می‌گیرد، نه در طول آن. برخی از فیلسوفان تاریخ تنها نوع فلسفه تاریخ را همین فلسفه نظری تاریخ می‌پندارند.^۱ فلسفه نظری یا جوهری تاریخ ناظر بر پژوهش در باب سیر گذشته پدیده‌های تاریخی و قانون‌مندی آن‌هاست و با علم تاریخ ارتباطی ندارد. فیلسوف تاریخ در فلسفه نظری تاریخ در صدد فهم معنا و هدف تاریخ، محرک و مکانیسم حرکت تاریخ، آغاز و انجام تاریخ است.^۲ فیلسوف نظری تاریخ در این راستا باید بتواند به سه پرسش اساسی پاسخ دهد:

۱. هدف و مقصد تاریخ چیست و تاریخ به چه سمتی حرکت می‌کند؟

۲. محرک و مکانیسم حرکت تاریخ چیست و بر اساس چه اهرم‌هایی حرکت می‌کند؟

۳. مسیر و منزل‌گاه‌های مهم و برجسته این حرکت کدام است؟

نگرشی اعتقادی به کل تاریخ، ارتباط تنگاتنگی با انسان‌شناسی دارد و بر موضع‌گیری‌های علمی انسان در زندگی او تأثیر عمیقی می‌گذارد. والش در این باره می‌نویسد: «اگر تاریخ واجد هدف و دلیلی نباشد که بشر را وادارد که در سلسله رویدادهای تاریخی الگو و قواره‌ای جست‌وجو کند، از نظر اخلاقی بسیار زنده است. اگر چنین الگو و قواره‌ای وجود نداشته باشد، در آن صورت همان‌طور که عموماً گفته می‌شود، رنج‌ها و مصائبی که تاریخ‌نویسان آن‌ها را توصیف می‌کنند بی‌هدف و بی‌مفهوم خواهد بود. در

۱. همان، ص ۲۱.

۲. حسینعلی نوذری، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ص ۲۴-۲۵ و عبدالکریم

سروش، فلسفه تاریخ، ص ۷-۸.

طبیعت بشر عنصر نیرومندی وجود دارد که علیه این گونه نتیجه‌گیری طغیان می‌کند.^۱

(ب) فلسفه علم تاریخ (فلسفه انتقادی یا تحلیلی تاریخ)^۲

این شاخه از تاریخ‌نگاری به بررسی و ارزیابی تحلیلی علم تاریخ، صرف‌نظر از توجه به رخدادهای تاریخی، می‌پردازد. این علم می‌کوشد که روش‌های علم تاریخ و منطق علمی تاریخ را نقد و ارزیابی کند، علم تاریخ را تعریف و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن را با علوم دیگر بیان کند؛ به توصیف و تحلیل منطقی و فلسفی، عقلانی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آثار مورخان بپردازد؛ اصل آگاهی ما به پدیده‌های گذشته - نه خود پدیده‌ها - را تحلیل و درباره ماهیت و منطق تبیین‌های مورخان بحث نماید.^۳ فلاسفه تاریخ تحلیلی یا انتقادی، تاریخ را به معنای مطالعه گذشته بررسی می‌کنند و به مسائل متعددی توجه دارند؛ از جمله این‌که: مورخان چه چیزی را شواهد، مدارک یا تبیین تلقی می‌کنند؛ آیا نتایج و دست‌آوردهای آنان واجد حقیقت عینی است یا خیر.^۴ توجه به علت رخدادها، عینیت داده‌های تاریخی و دخالت عقل و ارزش‌ها در پژوهش‌های تاریخی، موضوع‌های مهم فلسفه انتقادی می‌باشند.

۱. دبلیو. اچ. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاء الدین طباطبایی، ص ۱۳۴.

2. Critical Philosophy of history.

۳. پل ادواردز، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات)، ص ۳.

۴. حسینعلی نوذری، همان، ص ۲۴.

تاریخ‌نگاری و عوامل مؤثر در آن

تاریخ‌نگاری (historiography) شعبه‌ای از علم تاریخ است و قدمتی همانند این علم دارد. از زمانی که بشر به حفظ و نگارش تاریخ پرداخت تاریخ‌نگاری پدید آمد. تاریخ‌نگاری بر اساس درجه ژرف‌نگاری و تعمق مورخ به لحاظ شکل ظاهر و ماهیت درون سطوح مختلفی دارد. موارد اصلی در شکل‌گیری نوع تاریخ‌نگاری عبارت است از:

الف) زمان: دوره تاریخی زندگی مورخ با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، فضایی به وجود می‌آورد که شخصیت فکری و علمی مورخ در آن رشد می‌یابد.

ب) مکان: اغلب ساکنان سرزمین‌ها خلق و خو و عادات و اندیشه‌های نسبتاً مشترکی دارند و مورخی که با این اشتراکات رشد و نمو می‌یابد، بر اساس جغرافیای خاص می‌تواند عصبیت و اندیشه‌های خاصی داشته باشد.

ج) پیروی از دین و مذهب خاص: دین و مذهب به دلیل تأثیر اساسی که در هستی‌شناسی مورخان دارد، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تبیین تاریخ محسوب می‌شود. غلبه وجوه فکری خاصی از دین مانند فلسفه، کلام و تصوف می‌تواند تفاوت‌هایی در تاریخ‌نگاری مورخان پدید آورد. این تفاوت به میزان تعمق مورخ و ورود وی به سطوح عمیق هستی‌شناسی در درون حوزه‌های خاص فکری و مذهبی بستگی دارد.

د) پایگاه و منزلت اجتماعی و سیاسی: منزلت سیاسی مورخ و جایگاه اجتماعی‌اش در تاریخ‌نگاری او انعکاس می‌یابد. شرکت در امور

دیوانی، قضاوت و محدث یا مفسر بودن مورخ موجب پدید آمدن تاریخ‌نگاری‌های متفاوتی می‌شود.

ه) وابستگی یا عدم وابستگی مورخ: ارتباط مورخان با دستگاه حاکم در قضاوت و لحن کلام آن‌ها در بیان رخداد‌های تاریخی تأثیر دارد، اما مانع ثبت حوادثی مانند قیام بر ضد حکومت نمی‌شود. مورخ در چنین مواردی به هنگام شرح رخداد از حکومت طرفداری می‌کند، ولی در عین حال، نوع حرکت‌های مخالف حکومت به لحاظ اهداف، چگونگی و نتیجه مبارزه در آثار آن‌ها منعکس می‌شود.^۱

مبانی تاریخ‌نگاری اسلامی تا قرن هفتم

تاریخ‌نگاری در میان اعراب با ظهور اسلام مفهومی عینی یافت. دین اسلام با وسعت و جهان‌شمولی خاص خود، تحول و دگرگونی بنیادینی را در ساختار اندیشه اعراب به وجود آورد و تبعات این اندیشه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زندگی مسلمانان نمود یافت.

قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، توجه انسان را به اندیشه و تفکر تاریخی معطوف می‌سازد. توجه ویژه قرآن به تجارب و سرگذشت امت‌ها همراه با رشد فکری اعراب و توجه ایشان به کسب معارف تاریخی برای دستیابی به راه صحیح زیستن، موجب پدید آمدن گرایش تاریخی در میان اعراب شد.

۱. ر.ک: محمد باقر آرام، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، ص ۴۶-۴۹.

«علم الایام» و «علم الانساب» سنت‌های تاریخ‌نگاری اعراب قبل از اسلام بود که بعدها به عنوان میراثی از اعراب قبل از اسلام به تاریخ‌نگاری اسلامی راه یافت. با پیدایش و رشد تاریخ‌نگاری اسلامی، این دو سنت مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و بخشی مهم از ارکان تاریخ‌نگاری اسلامی را تشکیل داد. پژوهشگران در مورد نقش «علم الایام» و «علم الانساب» در تاریخ‌نگاری قبل از اسلام بر این باورند که «سنت‌های تاریخ‌نگاری اعراب قبل از اسلام، انساب و ایام بود که به صورت مکتوب چیزی از این مبانی باقی نیست، اما به صورت شفاهی تا اسلام اطلاعاتی از آن محفوظ بود»^۱

هم‌چنین، پس از اسلام، «حدیث» و «سیره» به عنوان ارکان اصلی تاریخ‌نگاری اسلامی پذیرفته شد. این مبانی ابتدا برای تطبیق امور مسلمانان با دین اسلام شکل گرفت و پس از آن «علم الایام» و «علم الانساب»، سنت‌های تاریخ‌نگاری اعراب قبل از اسلام، با «حدیث» و «سیره» ارکان تاریخ‌نگاری اسلامی درآمیختند. زمانی که مبانی تاریخ‌نگاری اسلامی، سنت‌های تاریخ‌نگاری قبل از اسلام را به خدمت گرفت، چارچوبی پدید آورد که در آن تبیین تاریخ در چارچوب رفع نیازهای دینی و عقاید پذیرفته شده مسلمانان صورت می‌گرفت. در این راستا آثاری پدید آمد که نوع نگرش آنان به تاریخ چنان بنای محکمی برای نگارش تاریخ پدید آورد که، خروج از محدوده آن تا قرن‌ها ناممکن و سخت شد. توجه مسلمانان به حوادث سیاسی، نظامی و تبیین آن‌ها در چارچوب

۱. ه.آر. گیب و دیگران، تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین: یعقوب آژند، ص ۱۲-۱۷.

فکری دینی موجب پدید آمدن سنت‌های دیگری از تاریخ‌نگاری اسلامی چون مغازی، فتوح و طبقات شد که در جهت تکامل سنت‌های پیشین حرکت می‌کردند.

آثاری که با عنوان «مغازی» در اواخر قرن دوم هجری پدید آمدند نوعی از تاریخ‌نگاری را شکل دادند که هدف از تألیف آن به اهداف تألیف کتاب‌های سیره و حدیث شباهت فراوانی داشت. یکی از قدیمی‌ترین این نوع آثار کتاب المغازی تألیف محمد بن عمر واقدی (متوفی ۲۰۷ هجری) است^۱ که جزء مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود. با بررسی کتاب‌های مغازی، آن‌ها را ترکیبی از سنت «علم الايام» اعراب قبل از اسلام و «سیره» و «حدیث» دوره اسلامی خواهیم یافت. کتاب‌های «فتوح» و «طبقات» با موضوع‌های خاصشان نیز مبنای دیگری برای تاریخ‌نگاری اسلامی پدید آوردند.

اکثر کتاب‌های فتوح، طبقات، سیره و مغازی به قصد نگارش تاریخ به معنای خاص آن تألیف نشدند، بلکه نویسندگان آن‌ها مسائل اخلاقی و عقیدتی را نیز در نظر داشتند، اما ترکیب آن‌ها گامی اساسی در تاریخ‌نگاری پدید آورد. با گذشت زمان اغلب این آثار به عنوان منابع تاریخ‌نگاری مطرح شد و جزء منابع اصلی مورد استفاده مورخان قرن سوم به بعد قرار گرفت.

اغلب مورخان مسلمان، احادیث و روایت‌ها را با عقل و تجربه نمی‌سنجیدند و هر حدیث و نقل قولی را می‌پذیرفتند. ایشان به لحاظ

۱. محمد بن عمر واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۳.

روش، رد و قبول مسائل مستحدثه را در گرو انطباق بر احادیث و روایت‌های صحیح می‌دانستند و اثبات درستی و صحت حدیث و روایت از طریق اثبات ثقه بودن راوی و یا سلسله راویان برایشان اصل بود. ایشان مخالف استفاده از عقل درباره امکان وقوع رخداد و صحت محتوای روایت‌ها بودند.

در قرن سوم و چهارم هجری در مقابل جریان‌های مخالف عقل‌گرایی، جریان‌های فکری عقل‌گرا ظهور کردند. در این دوران، مکتب معتزله یکی از جریان‌های مهم مشوق عقل‌گرایی بود. معتزله به سبب توجه به مبانی عقلی و بحث در مسائل مهمی مانند عدل و توحید و اختیار و نظایر آن و مناقشه با فرق مختلف اسلامی مانند اهل سنت و حدیث و شیعه و ملل غیر اسلامی مثل مانویه و یهود و نصاری که معمولاً کلام استواری داشتند، ناگزیر، محتاج به اتخاذ روش منطقی و فلسفی برای پیروزی خود بودند. با وجود مخالفت علمای اهل حدیث و سنت با آنان، به هر حال منشأ تحولی از جهت توجه به علوم عقلی در میان مسلمین گردیدند. اهمیت معتزله بیشتر در آن است که خلفا و امرا را نیز مانند خود دوستدار مباحث علمی بار می‌آوردند^۱.

از قرن پنجم، برخورد میان جریان عقل‌گرا و متعصبان اهل حدیث به نفع اهل حدیث به پایان رسید. ریشه‌های پیروزی این جریان به زمان خلافت متوکل (۲۳۲ - ۲۴۷) باز می‌گردد که اندیشه عقل‌گرایی

۱. ذبیح‌الله صفا، تاریخ علوم عقلی در اسلام، ص ۱۳۱.

خلفای قبل از خود را رد می‌کرد. سیاست متوکل و جانشینانش منجر به تحجر فکری و انحطاط علوم عقلی در قلمرو خلافت عباسیان شد، اما سیاست حکومت‌های محلی ایران این جریان را تا حدودی به تأخیر انداخت.^۱

مبانی فکری تاریخ‌نگاری اسلامی که تا این‌جا بیان شد با ورود به سایر سرزمین‌های اسلامی با تغییراتی در عناصر و ویژگی‌ها، به رشد خود ادامه داد و فراز و فرودهایی را پیمود، ولی در عین حال، ویژگی‌های مشترکی را تا قرن‌ها محفوظ نگاه داشت. در تاریخ‌نگاری اسلامی، می‌توان ملاک‌های خاصی مانند دوره‌های تاریخی، تقسیمات جغرافیایی یا موضوع‌های مورد بحث یا ترکیبی از این عوامل را پایه و اساس تقسیم‌بندی قرار داد؛ به این ترتیب، تاریخ‌نگاری مصر، ایران، عثمانی و... یا تاریخ‌نگاری صدر اسلام، دوره میانه، دوره معاصر یا تاریخ‌نگاری عمومی، سلسله‌ای، محلی در دوره‌های تاریخی در مناطق جغرافیایی خاص به وجود می‌آید. در نوعی دیگر از تاریخ‌نگاری اسلامی، به ویژگی‌های واحدهای جغرافیایی کوچک توجه شده و شهرها و مناطق خاصی از سرزمین‌ها اساس تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرند و با این نگاه، تاریخ‌نگاری بصره یا کوفه (عراق)، تاریخ‌نگاری شام و... پدید می‌آید. به نظر می‌رسد، تفاوت فرهنگی میان شهرهای ذکر شده موجب نسبت دادن کلمه «مکتب» به تاریخ‌نگاری پدید آمده در این شهرها شده است و گر نه تفاوت‌های اساسی و بنیادی در آثار نمایندگان تاریخ‌نگاری این شهرها

نسبت به تاریخ‌نگری و سایر عناصر تاریخ‌نگاری سایر شهرها دیده نمی‌شود.

تاریخ‌نگاری اسلامی از آغاز در دو مسیر اصلی حرکت می‌کرد که هر یک از این دو مسیر به سبب ویژگی متمایزشان در توجه به موضوع و مواد خاص تاریخی، مکتبی در تاریخ‌نگاری به شمار می‌آیند. گرچه با نگاهی اجمالی به آثار نمایندگان هر یک از این دو مکتب، به نظر می‌رسد فقط تمایزات جزئی با هم دارند و اختلاف آن‌ها بیشتر در شیوه تدوین اخبار و روش تاریخ‌نگاری است.^۱ این مکتب‌ها یکی مکتب مدینه و دیگری مکتب عراق بود که ریشه‌های تاریخ‌نگاری مکتب مدینه را باید در فعالیت‌های محدثان و میره‌نویسان جست‌وجو کرد و به این دلیل به آن مکتب تاریخ‌نگاری خدیث می‌گویند و در مقابل، ریشه مکتب عراق را باید در ذکر تفاخرات قبیله‌ای براساس انساب و در قالب اخبار جست‌وجو کرد و به این دلیل به آن مکتب تاریخ‌نگاری اخباری نیز می‌گویند. آثار نمایندگان هر دوی این مکتب‌ها به منابعی مهم و مورد توجه برای مورخان قرن‌های بعدی تبدیل شد.

روش‌شناسی تحقیقات تاریخی مسلمانان

تحقیق علمی عبارت است از تلاش کاوش‌گرانه‌ای که با آدابی خاص و

۱. صادق آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۲۱-۲۴ و ۱۲۱-۱۲۹؛ صادق سجادی و مهدی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۴۷؛ محمد باقر آرام، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، ص ۶۸، ۶۹.

به طرزی نظام‌یافته با هدف کشف مجهول و به منظور گسترش قلمرو معرفتی بشر صورت می‌گیرد که حاصل آن مصداق و مابه‌ازای خارجی دارد. این تلاش می‌تواند در همه حوزه‌های مادی، انسانی و الهی انجام پذیرد.^۱ مورخان مسلمان نیز در تاریخ‌نگاری از اسلوب و شیوه‌های خاصی پیروی می‌کردند که اساس تحقیقات تاریخی ایشان را تشکیل می‌دهد. روش نقد اخبار تاریخی در میان مورخان مسلمان برگرفته از روش نقد علم الحدیث است که در بردارنده ابعاد مختلفی از نقد برونی^۲ و نقد درونی^۳ است. مورخان مسلمان در به‌کارگیری بسیاری از اصول نقد در تحقیقات، یک‌سان عمل می‌کردند و فقط برخی از ایشان در بررسی‌های خویش راه‌های دیگری را برمی‌گزیدند و نوآوری‌های خاصی را در تحقیقاتشان به کار می‌بردند. اصول اساسی در نقد تاریخی نزد مورخان مسلمان عبارت است از: نقد راوی و روایت یا نقد سند و نقد متن.

الف) نقد راوی

شناخت راوی با عنوان رجال‌شناسی از مباحث مهم اصول نقد تاریخی

۱. محمد رضا حافظ‌نیا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ص ۱۲.

۲. نقد برونی: رویکرد تبیینی به متن، به این معنا که ابعاد و زوایای مختلف موجود و مذکور در متن کشف و تبیین شود. حسن حضرتی، نقد تاریخی گزارش ابن خلدون از سانحه عاشوره ص ۹۱.

۳. نقد درونی: رویکرد تأویلی به متن، به این معنا که با نگاه از بیرون، ابعاد و زوایای مختلف موجود و غیر مذکور در متن کشف و تفسیر شود. همان.

مسلمانان است. جرح و تعدیل، اصطلاح‌های مهمی در حوزه نقد راوی هستند که هر یک معنای خاصی را دارا می‌باشند.

تعدیل: به معنای معدل‌گیری بین صفات مثبت و منفی راوی است.^۱ اصطلاحات و الفاظی که در مراتب و درجات راوی پس از تعدیل به کار می‌رود، دو گونه است: دسته اول بر تعدیل و تزکیه راوی از شبهات و اتهامات و شایعات دلالت دارد؛^۲ مانند: عدل، ثقه، حجة، ثبت و صحیح الحدیث و...^۳ دسته دیگر الفاظی‌اند که دلالت واضحی بر تعدیل راوی ندارند؛ الفاظی مانند مشقن، ثبت، حافظ، ضابط، صدوق، صالح الحدیث، خاص، عالم و...^۴

جرح: به معنای جریحه‌دار بودن یا جریحه‌دار کردن شخصیت علمی، اخلاقی، عقیدتی راوی است.^۵ مهم‌ترین الفاظ جرح راوی عبارت است از: ضعیف، کذاب، وضاع للحدیث، غالی، مضطرب الحدیث، منکر الحدیث و...^۶

راوی اخبار در نزد مسلمانان باید شرایط خاصی داشته باشد که آن شرایط عبارت است از:

۱. عقل؛ خبر دیوانه (هنگام جنون) قبول نیست.

۱. محمود افتخارزاده، روش شناخت سنت و تاریخ اسلام، ص ۲۸۰.

۲. همان، ص ۲۸۱.

۳. کاظم شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۴۳.

۴. همان، ص ۲۸۲.

۵. محمود افتخارزاده، همان، ص ۲۸۰.

۶. کاظم شانه‌چی، همان.

۲. بلوغ (تکلیف) که معمولاً جزء شرایط دانسته شده است.
۳. مسلمان بودن؛ اسلام خبر غیر مسلمان را حجت نمی‌داند.
۴. عدالت (ملکه پرهیز از کبایر و عدم اصرار بر صغایر).
۵. ضبط (یعنی کم‌تر سهو و اشتباه کند، نه این‌که از سهو و نسیان مبرا باشد).^۱

ب) نقد روایت

تاریخ نگاران نمی‌توانند روش مشاهده مستقیم را در مورد رخداد‌های بسیار قدیمی به کار ببرند یا رخدادها را به نحو دل‌خواه تکرار کنند؛ بنابراین، باید به داده‌ها و گزارش‌های شاهدان پیشین اکتفا کنند و با نقد علمی، داده‌های درست را از نادرست تشخیص دهند. اهمیت این مسئله تا بدان پایه است که «مآخذشناسی» یکی از شاخه‌ها و گرایش‌های اصلی رشته تاریخ را شکل می‌دهد. ارزش‌یابی منابع تاریخی را نقد تاریخی می‌نامند و این امر به دو شیوه امکان‌پذیر است:

الف) نقد بیرونی که ماهیت منابع را می‌سنجد. ب) نقد درونی که محتوای منابع را بررسی می‌کند.^۲

در برخی موارد که هیچ دلیل و نشانه‌ای برای ترجیح اخبار متناقض وجود ندارد، مورخ باید در جایگاه قاضی بنشیند و با

۱. کاظم شانه‌چی، علم الحديث، ص ۲۱۱-۲۱۴.

۲. علیرضا ملاتی‌توانی، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، ص ۱۴۱.

استفاده درست از توان‌مندی‌های ذهنی و عقلی خود قضاوت کند. در چنین مواردی، مورخان مسلمان چند اصل را اساس قضاوت خویش قرار می‌دهند:

۱. ترجیح به اعتبار روایت: اخباری که منقول به لفظ است بر اخباری که منقول به معناست ترجیح دارد.

۲. ترجیح از نظر متن (که خود بر چند قسم است): ۱. ترجیح به اعتبار لفظ فصیح بر لفظ رکیک و متروک عصر مورد بحث؛ ۲. ترجیح به اعتبار جهات دلالی اقوی؛ ۳. ترجیح به اعتبار مدلول لفظ حقیقی بر مجازی؛ ۴. ترجیح به اعتبار غیر نیازمند به مراد و غیر موقوف به امر دیگر.

۳. ترجیح به اعتبار امور خارجی (که بر دو نوع است): ۱. ترجیح به اعتبار اعتضاد یکی از دو خبر؛ ۲. ترجیح به اعتبار مقرر موافق با اصل بر ناقل مخالف با اصل.^۱

۱. صادق‌آینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۶۱۷.